

اولین دلیل گرایش برخی افراد به مصرف مواد مخدر به تیپ شخصیتی و روانی فرد مربوط است. کسانی که اعتمادبه‌نفس پایین و ویژگی‌های خلقی افسرده دارند و برای درمان به مصرف مواد مخدر پناه می‌برند، رفتارهای تکانشی دارند و ناسازگار هستند، گرایش به مصرف مواد در آنها بیش از دیگران دیده می‌شود.

دومین علت، عوامل محیطی است. وقتی فرد در محیطی باشد که مواد به آسانی در اختیار او قرار می‌گیرد و با دوستانی در ارتباط باشد که مصرف‌کننده مواد هستند، طبعاً او نیز به سمت اعتیاد کشیده خواهد شد. عامل سوم، عوامل خانوادگی است. تنش در روابط میان زوجین و فضای

روانی ناسالم در خانواده همراه با تحقیر و سرزنش، برآورده نشدن نیازهای عاطفی – احساسی فرد، ناکام ماندن در زندگی مشترک و به‌نوعی دست نیافتن به هدف‌هایی که پس از ازدواج به آنها می‌اندیشید، ازجمله عوامل خانوادگی است. عامل چهارم پیام‌های پزشکی است که از دیگران یا اعضای خانواده‌اش دریافت می‌کند. برای مثال می‌گویند مواد بزن دردت خوب می‌شود.

زندگی با همسر معتاد نیازمند رعایت یک سری موارد و نکات خاص است تا بتوان در مسیر ترک اعتیاد آنها موفق بود. مصرف مواد مخدر یکی از بحران‌های اصلی بسیاری از جوامع است. متأسفانه خانواده‌های زیادی از زمان‌های گذشته تاکنون با این معضل اجتماعی روبه‌رو هستند. مصرف مواد تنها تنها عوارض جسمی و روحی بسیاری به همراه می‌آورد بلکه بنیان یک خانواده را سست می‌کند و خانواده را تا مرز فروپاشی می‌کشد.

#### ادامه زندگی با همسر معتاد

زندگی با همسر معتاد، چه زن چه مرد، مشکلات خاص خودش را دارد. پایین‌حال و با طرح چند پرسش می‌توان به این نتیجه رسید که آیا می‌توان به ادامه زندگی با زن یا مرد معتاد امیدوار بود یا خیر؟

برای امیدوار بودن به یک فرد معتاد باید به چند عامل توجه کرد. اگر زن یا مرد معتاد شخصیتی خانواده‌مدار داشت و زن و بچه‌اش برایش مهم بود، ویژگی خلقی آرام‌تری داشت، دست بزن نداشت، میزان موادی که مصرف می‌کند کم است، نوع مواد مخدر مصرفی‌اش از جنس شیشه، کراک و هروئین نیست و حاضر است به کمپ برود و مواد را ترک کند، می‌توان امیدوار بود به یک زندگی سالم و به آغوش گرم خانواده بازگردد، اما اگر فرد معتاد مدت‌زمان زیادی است که مواد مخدر مصرف می‌کند، از مواد مخدر صنعتی همچون شیشه و کراک استفاده می‌کند، میزان مصرفش زیاد است، انزطر شخصیتی ضعیف است، ادامه زندگی با او همراه با تنش و مشکلات است، به کرات تصمیم گرفته به کمپ برود و ترک کند، اما موفق به ترک نشده یا حاضر نیست برای ترک به کمپ برود.

با نشانه‌های گفته شده روی این فرد نمی‌توان به‌عنوان شریک زندگی حساب کرد.

#### قدم صفرم: وقتی می‌فهمیم معتاد داریم

مهم‌ترین نکته در مرحله بعد از تشخیص اعتیاد، عکس‌العمل ماست. خانواده اول شوکه می‌شود و نمی‌خواهد که باور کند، بعد سعی می‌کند با معادش مقابله کند و البته دست‌آخر با ماجرا کنار می‌آید و تلاش می‌کند حمایتش کند.

#### قدم اول: وقتی قرار است با او زندگی کنیم

از واقعیت زندگی نمی‌شود فرار کرد. به‌هرحال ما حالا یک معتاد به‌عنوان یکی از اعضای اصلی

## زیرپوست تقسیمات کشوری

از کارایی اداره آنها بر اساس شاخص‌های جمعیتی است؟

تخصیص منابع بودجه دولت بر اساس تقسیمات کشوری انجام می‌شود. به‌این ترتیب که استانداری مسئول تخصیص بودجه شهرستان‌های زیرمجموعه و فرمانداری شهرستان‌ها مسئول تخصیص بودجه بخش‌های تابعه است.

اینکه دقیقاً بر اساس چه فرمولی منابع بودجه دولت تخصیص می‌یابد، بر نگارنده روشن نیست، اما آنچه واضح است اختیار کمتر و قدرت چانه‌زنی کمتر بخش‌های تابعه نسبت به شهرستان در کسب و خرج بودجه است. از این منظر، وقتی یک بخش از شهرستان جداشده و به سطح شهرستان ارتقا می‌یابد، در واقع قدرت چانه‌زنی بیشتری در کسب بودجه به دست می‌آورد. پیش از ارتقا در جلسات استانداری برای تدوین و تخصیص بودجه نماینده‌ای از این بخش وجود نداشت؛ اما پس از ارتقا به سطح شهرستان، نمایندگان آن ناحیه می‌توانند حرف‌های خود را بزنند و در تدوین بودجه و تخصیص آن نقش جدی ایفا کنند.

همین استدلال را می‌توان در سطوح بالاتر و پایین‌تر تقسیمات کشوری نیز به کاربرد. مجموعه‌ای از روستاها تلاش می‌کنند تا به‌عنوان دهستانی مستقل از دهستان اصلی درآیند. شهرها به همراه مجموعه‌ای از دهستان‌ها تلاش می‌کنند به‌عنوان بخش شناخته شوند و بخش‌ها نیز شهرستان می‌شوند. پس‌از آن نیز شهرستان‌ها به استان ارتقا می‌یابند.

درواقع مسئله تلاش برای حرکت به سمت سطوح بالاتر تقسیمات کشوری را می‌توان تلاش برای نزدیک شدن به محل تدوین و تخصیص بودجه نگاه کرد. اثر این مسئله روی بودجه دولت می‌تواند جدی باشد.

علاوه بر گسترش بیش‌ازحد دستگاه بوروکراسی دولت، وقتی افراد بیشتری برای کسب منابع بودجه رقابت می‌کنند، رشد بودجه سریع‌تر خواهد بود که می‌تواند به کسری بیشتر بودجه بینجامد. برای کاستن از فشار افزایش تقسیمات کشوری، لازم است دولت، شیوه تخصیص

ناآرامی‌های چندی پیش کازرون این سؤال را مطرح می‌کند که به‌راستی تغییرات تقسیمات کشوری چه اهمیتی دارد؟ اینکه یک شهرستان به دو شهرستان تفکیک شود به چه دلیل مورد تأکید مناطق تابعه و مورد مخالفت مرکز است؟

محمد وصال در سرمقاله‌ای در روزنامه دنیای اقتصاد، آورده است: تغییرات تقسیمات کشوری در اغلب موارد مسئله‌ای چالش‌برانگیز بوده، اما این چالش‌ها مانع پیشبرد این تغییرات نبوده است. تعداد استان‌های ایران طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ از ۲۳ به ۳۱ استان رسیده است.

در همین دوران تعداد شهرستان‌ها از ۱۶۲ به ۴۲۹ شهرستان افزایش یافته است. به‌عبارت‌دیگر طی ۴ دهه به‌طور متوسط هر سال بیش از ۶٫۵ شهرستان به تقسیمات کشوری افزوده‌شده است (شکل ۱). دلیل این افزایش شگرف در تقسیمات کشوری چیست؟ آیا اداره مؤثر کشور نیازمند خردتر کردن تقسیمات است؟ برای پاسخ به این دو سؤال ابتدا منطق مبتنی بر جمعیت تقسیمات کشوری را بحث کرده و سپس مسئله رقابت مناطق برای کسب اعتبارات دولتی را به‌عنوان یک دلیل مهم تشریح می‌کنم.

اولین دلیلی که برای تقسیمات کشوری می‌توان قائل شد، تفکیک کشور به اجزایی تقریباً هم‌وزن و قابل اداره است. در این راستا افزایش تعداد شهرستان‌ها می‌تواند به دلیل افزایش جمعیت آنها و در راستای اداره بهتر امور آنها باشد. هرچند به‌هرحال مناطق کشور برای اداره لاجرم باید به اجزایی تقسیم شوند، اما به نظر نمی‌رسد در کشور ما حداقل این منطق مورد استفاده باشد. شکل یک تغییرات متوسط جمعیت شهرستان در کشور را طی ۴ دهه نشان می‌دهد. با وجود رشد بیش از ۲٫۱ درصدی جمعیت طی این دوره، متوسط جمعیت شهرستان از ۲۰۸ هزار نفر به ۱۸۶ هزار نفر رسیده است.

جالب آنکه طی بازه ۳۰ ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ به‌طور متوسط شهرستان‌ها کم‌جمعیت‌تر شده‌اند. آیا کوچک شدن شهرستان‌ها اقتضای اداره بهتر آنها بوده یا منطق تفکیک شهرستان‌ها فراتر



شهر تاریخی کازرون در شرق استان فارس قرار دارد و از کهن‌ترین شهرهای سرزمین ایران است. تاریخ احداث کازرون، به دوره ساسانی بازمی‌گردد. قرار گرفتن این شهر، در منطقه‌ای خوش آب‌وهوا و در مهم‌ترین کانون مذهبی و سیاسی دوره ساسانی، باعث رونق فراوان آن شد. بر اساس مستندات تاریخی، کازرون توسط شاپور یکم، پادشاه مقتدر ساسانی، بنا نهاده شد. او تثبیت‌کننده اقتدار ساسانیان در ایران بود. در زمان شاپور یکم، رومیان از ایران شکست سختی خوردند که نقش برجسته مشهور «نقش رستم»، یادگار همین پیروزی تاریخی است. شاپور یکم، پس از صدور فرمان احداث شهری در حدود فعلی کازرون، نام «بیشاپور» را برای آن برگزید و آن را مبدل به پایتخت زمستانی خود کرد؛ اما این نام، در طول تاریخ، دستخوش تغییرات فراوانی شد.

پس از ورود اسلام به ایران، کازرون که یکی از مراکز عمده تجمع و زندگی موبدان زرتشتی بود، از رونق افتاد. در منطقه فعلی، سه روستای «نورد»، «دورس» و «راهبان» به وجود آمد که مورخان مسلمان، نام «بلد العینق» را برای معرفی آنها به‌کاربرده‌اند و مردمی که زمانی در «بیشاپور» ساکن بودند، به‌تدریج به آبادی‌های جدید کوچ کردند. چند قرن بعد، کازرون به مرکز صنعتی بافت پارچه تبدیل شد و این صنعت، در دوره دیلمیان به اوج شکوفایی و رونق رسید.

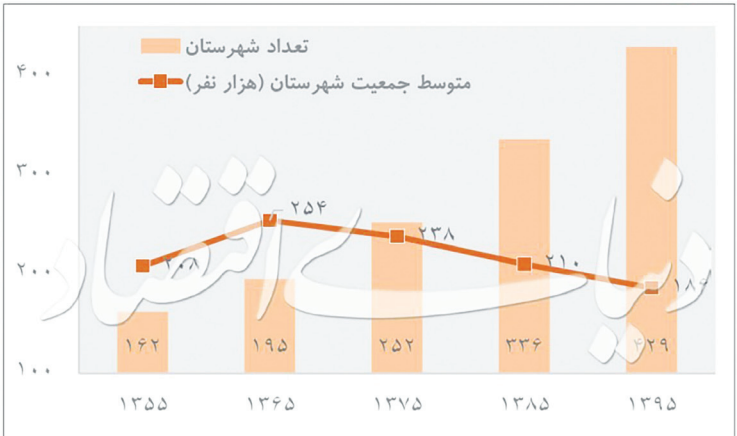
در آن زمان ۱۲ هزار «گازُر» یا شونده پارچه، در این مکان فعالیت داشتند. به همین علت، برخی از مورخان معتقدند که نام جدید شهر، یعنی کازرون، از واژه «گازران» یا «گازر» گرفته شده است.

کازرون، افزون بر آثار تاریخی پرشمارش، سرشار از مناظر زیبایی طبیعی است و این برای گردشگرانی که قصد بازدید از کازرون را دارند، یک فرصت مغتنم به شمار می‌آید. دریاچه آب شیرین «پیشان» در نزدیکی کازرون، یکی از جذاب‌ترین و زیباترین مناظر طبیعی ایران است که دیدارشان، باعث انبساط خاطر و آرامش بینندگان می‌شود. در ادامه، به معرفی تعدادی از آثار تاریخی کازرون می‌پردازیم.

#### ویرانه‌های «بیشاپور»

بقایای شهر باستانی «بیشاپور»، در ۱۵ کیلومتری شمال شهر کازرون قرار دارد. این بناها، در سال ۲۶۶ میلادی، با دستور شاپور یکم ساخته‌شده است. «بیشاپور» بر سر راه تخت جمشید به

#### ■ شکل ۱: تعداد شهرستان‌ها و متوسط جمعیت شهرستان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵



#### منبع: محاسبات نگارنده براساس فایلهای تقسیمات کشوری و سرشماری‌های مرکز آمار

منابع به مناطق را شفاف کند و منطق «هزینه‌کرد در آمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی هر منطقه در همان منطقه» را جا بیندازد. البته شکی نیست که مناطق کمتر برخوردار باید از درآمدهای دولتی کسب شده در سایر مناطق نیز سهمی ببرند. در این صورت احساس بی‌عدالتی منطقه‌ای در تخصیص منابع کاهش می‌یابد و نیاز برای حرکت به سمت سطوح بالاتر [تقسیم و تجزیه شهرستان] برای احقاق حق، کم می‌شود.



برای حفاظت از شهر بوده است. این قلعه، دارای یک راهروی ورودی است که در طول آن، چند برج ساخته‌شده و ورود به قلعه را برای مهاجمان، سخت کرده است. در ضلع شرقی قلعه که بر بستری از سنگ و صخره قرار دارد، بقایای ستون‌هایی از سنگ و گچ دیده می‌شود که نشان‌دهنده ساخت‌وساز طبقات متعدد است. به نظر می‌رسد در این بخش از قلعه، پایه‌های بلندی تعبیه کرده و بر فراز آن، اتاق‌های متعددی برای استفاده‌های مختلف، ساخته بودند. هرچند از آن بنای مُعظم، امروزه چیز زیادی باقی نمانده است و بازدیدکنندگان باید به مشاهده بقایای جزئی آن، اکتفا کنند.

#### کاخ «به والرین»

کاخ «به والرین» یا کاخ «والریانوس»، یکی از بناهای مهم شهر تاریخی «بیشاپور» در کازرون است. این بنا در ضلع شمالی ارگ شاهی قرار دارد و تاکنون، مطالعات باستان‌شناسی دقیقی روی آن انجام‌نشده است. «رومن گیرشمن»، باستان‌شناس معروف، مدعی بود که این کاخ، محل نگهداری «والرین»، امپراتور مغلوب روم بوده است، اما ظاهراً، این مسئله از حد ادعا فراتر نمی‌رود و هنوز، کاربری دقیق این کاخ مشخص نشده است. ساختمان کاخ «به والرین» در فاصله ۱۵۰ متری تالار تشریفات کاخ اصلی شاپور یکم قرار دارد و جداره داخلی آن را با سنگ‌های تراشیده و منقش و سطح بیرونی آن را، با گچ سفید تزئین کرده‌اند. «گیرشمن» مدعی بود که امپراتور مغلوب روم، تمام عمر خود را در این کاخ گذرانده و در همان‌جا، درگذشته است.

#### کتیبه «آپسای دیر»

در سال ۱۳۱۵ هـ ش، هنگامی که «گیرشمن» مشغول کاوش‌های باستان‌شناسی در «بیشاپور» بود، دو ستون سنگی کشف کرد که روی یکی از آنها، دو کتیبه، یکی به خط پهلوی اشکانی و دیگری به خط فارسی میانه، حجاری شده بود. او پس از بررسی کتیبه‌ها و ترجمه آنها، دریافت که این دو کتیبه، با یک مضمون، متعلق به فردی به نام «آپسا» بوده که در زمان شاپور یکم ساسانی، مقام دبیری شاه را بر عهده داشته است. از این رو کتیبه مذکور، به کتیبه «آپسای دیر» معروف و ستون‌های کشف‌شده، دوباره در «بیشاپور» برپا شد. نوشته‌های کتیبه، افزون بر زمان ساخت آن که ۶۰ سال پس از تأسیس سلسله ساسانی و در سال چهارم سلطنت شاپور یکم است، سخنان متعلقانه «آپسا» خطاب به شاپور یکم را در برمی‌گیرد. ظاهراً «آپسا»، از اهالی منطقه «حران» بوده است که امروزه در سوریه قرار دارد.